

فرهنگ مدارا در ادب فارسی

وی گفت: اگر زمینه‌های گفت‌وگو فراهم باشد، اگر درک متقابل پدید بیاید، اگر ظرفیت شنوایی بالا برود، بسیاری از سوء تفاهم‌های خانوادگی و محلی و قومی و سیاسی برطرف می‌شود. اگر سیاستمداران شعار آشتی می‌دهند و به دنبال منافع شخصی و حزبی و گروهی هستند، اما فرهنگوران، ادیبان و هنرمندان آشتی را برای آشتی و همدلی را برای همدلی می‌خواهند. بسیاری از سردمداران و سیاستمداران جهان ممکن است بر سر زبان‌شان آشتی و همدلی باشد، اما در میان جانشان اغلب جنگ و دشمنی است.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی تأکید کرد: یادمان باشد هنر (موسیقی، نقاشی، سینما و ادبیات)، زبانی بین‌المللی دارد. همچنان که ورزش (و تجلی آن در مسابقات گوناگون)، می‌تواند از ابزارهای کارآمد گفت‌وگو و مفاهمه باشد. امروزه بیش از همیشه به ادبیات و هنر نیازمندیم. هنر و ادبیات چشم ما را به جهانی دیگر باز می‌کنند. می‌توانند ما را از جهان موجود بیرون ببرند و در جهانی که بر ساخته‌ی هنرمند است، غرق کنند. ما تا زمانی که در آن جهان بر ساخته زندگی می‌کنیم، از گرفتاری‌های فراگیر این جهان آزادیم. حتی اگر نخواهیم همواره در آن جهان هنری بمانیم و خود را ملزم به درک جهان

کوردلی تنها خود را صاحب حق گمان می‌کند و با خشونت و تعصب و انفجار و انتحار در پی کشتار و نابودی دیگرانند. صاحبان قدرت و سلطه نیز با آتش افروزی‌های پی‌درپی هر روز بر طبل جنگ می‌کوبند و گوشه‌ای از جهان را به آشوب می‌کشند. رسانه‌ها هم متأسفانه، بسیار بیش‌تر از آن‌که صحنه‌هایی از همدلی و آشتی و مدارا را به نمایش بگذارند، از جنگ‌ها و درگیری‌ها و خشونت‌ها گزارش می‌دهند.

وی افزود: امروزه متأسفانه صدای جنگ و دشمنی در جهان بسیار بلندتر از صدای صلح و آشتی به گوش می‌رسد. از همین‌روست که جهان امروز بیش از همیشه به پیوند و همدلی فرهنگوران نیاز دارد. پیوند میان اهل هنر و ادب کشورهای گوناگون و مبادلات تجاری گسترده میان بازرگانان و ارتباطات ورزشی میان ورزش‌کاران راه‌های مناسب‌تری برای پیش‌گیری از جنگ و خشونت است.

دکتر حسن‌لی ادامه داد: بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی، قومی، محلی، منطقه‌ای، سیاسی و مانند این‌ها، تنها در اثر سوء تفاهم‌هایی بی‌پایه و سطحی‌نگری‌هایی بی‌ریشه پدید می‌آیند. به قول مولانای بزرگ: چون که بی‌رنگی اسیر رنگ شد موسیقی با موسیقی در جنگ شد چون به بی‌رنگی رسی کان داشتی موسی و فرعون دارند آشتی



در مردادماه سال جاری، دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، طی سفری به شهر آدلاید استرالیا، به دعوت جمعی از ایرانیان مقیم استرالیا و دوستداران زبان و ادب فارسی، در نشست «فرهنگ مدارا در ادبیات فارسی» سخن گفت.

ایشان در مقدمه‌ی سخنان خود گفت: جهان امروز جهانی دیگرگونه است و مردم امروز جهان، بیش از همیشه به درک متقابل و پذیرش آرای گوناگون نیاز دارند. در گوشه و کنار جهان امروز، کسانی هستند که همچنان با خشک‌مغزی و



موجود می‌دانیم، دست‌کم برای رها شدن از این همه تکرار مکررات، نیاز به اندکی تنوع، اندکی استراحت و اندکی تفریح داریم که به جابه‌جا شدن و رفتن بدان جهان می‌توانیم به آن دسترسی پیدا کنیم. حال این هنرواین ادبیات هرچه متعالی‌تر باشد، ما را متعالی‌تر می‌کند. اگر علم و تکنولوژی و فناوری ما را به پیش می‌برند، هنر و ادبیات می‌توانند ما را بالا ببرند. اگر تکنولوژی سرعت می‌دهد، هنر و ادبیات جهت می‌بخشند. انسانی که با هنر و ادبیات بی‌ارتباط است، به همان اندازه از ملاطفت، ملایمت، مدارا و سازگاری بی‌بهره می‌ماند.

وی ادامه داد: متون ارزشمند ادبی ما، پر از پیام‌های همدلانه و مفاهیم انسان‌دوستانه است. یکی از راه‌های تقویت همدلی و تمرین مدارا، درنگ شایسته در مفاهیم آشتی‌جویانه‌ی همین متون ارزشمند است. از سوی دیگر بازگشت به جهان گذشتگان هرگز شایسته‌ی مردمان روشن‌اندیش نیست. به‌ویژه آنکه در بهره‌گیری از متون گذشته همواره باید به یاد داشته باشیم که در این متون آموزه‌هایی هم هست که شایسته‌ی انسان امروز نیست. نمی‌توان همه‌ی پسندها و خواست‌های جهان امروز را از ادبیات گذشته انتظار داشت. برای نمونه: حقوق اجتماعی زنان، مفهوم دموکراسی، حق انتخابات آزاد و حقوق شهروندی و مانند این‌ها در متون گذشته غایبند. اما امروز ما بدون آنکه گذشته‌گرایی کنیم و مانند واپس‌ماندگان به جهان گذشته بازگردیم و جهان امروز را درنماییم، می‌توانیم از آن سرمایه‌های ارزشمند متناسب با موقعیت انسان معاصر بهره‌مند باشیم.

دارنده‌ی نخستین کرسی پژوهشی حافظ افزود: مردم ایران سخن‌سرایان نامی بسیاری دارند که همواره در هویت‌بخشی و سربلندی آنان نقش داشته‌اند. فردوسی، خیام، عطار، نظامی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگران هر کدام بخشی از نیازهای فرهنگی ما را تأمین می‌کنند. اگر تصور کنیم جامعه هم مانند یک بدن و یک جسم است، این بدن اجتماعی هم مانند بدن طبیعی ما نیاز به عناصر گوناگون دارد. بدن ما نیاز به انرژی دارد؛ نیاز به کلسیم دارد؛ نیاز به آهن دارد؛ نیاز به پروتئین دارد؛ نیاز به ویتامین دارد... و هر کدام از این‌ها از طریق تأمین می‌شود. بدن اجتماعی و اندام فرهنگی ما هم به همه‌ی این‌ها نیاز دارد.

وی مثال زد: فردوسی بزرگ‌ترین سخن‌سرای حماسی ایران است. شیوه‌ی حماسه‌سرایی شیوه‌ی بیان مبارزه و جنگ و دلآوری و پایداری است، اما ما از سراسر شاهنامه صدای نیک‌اندیشی، بخشش و دادورزی می‌شنویم. فردوسی آسایش همگان را در دوستی، مهرورزی و یگانگی می‌داند.

در شاهنامه همواره نبرد میان تاریکی و روشنی است. نبرد میان ستم و داد. پهلوانان شاهنامه معمولاً در جنگ پیش‌قدم نیستند. در برابر تجاوز، بی‌عدالتی می‌ایستند و نبرد می‌کنند. مدارا با ستمکار و تجاوزگر! پهلوان در فرهنگ ایرانی پیش از آن‌که زورمند و جنگجو و ستیزه‌گر باشد، جوانمرد است. پهلوان باید به کمال برسد تا پهلوان شمرده شود و کمال در رفتارهای انسانی و پرهیز از ظلم و ستم و آزار دیگران است.

فردوسی، خردمندی، روشنایی، دادورزی را می‌ستاید. و همه‌ی این‌ها مفاهیمی سازگار با خوی و منش انسانی است. درحالی‌که تجاوز و

کشتار و خوبی ددمنشانه است. استاد دانشگاه شیراز تأکید کرد: ادبیات فارسی در مجموع محتوایی انسان‌مدارانه دارد و در لابه‌لای متون ادبی پیام‌های گوناگون انسانی و آموزه‌های فراوان معرفتی وجود دارد که می‌تواند برای بسیاری از مخاطبان امروزی هم راه‌هایی از رهایی را نشان بدهد.

وی ادامه داد: دیوان مولانا دیوان همدلی و الفت است، نه کتاب دشمنی و نفرت. دیوان سعدی دیوان نیک‌رفتاری و محبت است، نه کتاب جنگ و جنایت... زیرا ادبیات زبان همدلی است. در آموزه‌های عرفانی جداانگاشتن نفوس انسانی، موجب بروز صفت ناپسند خودپرستی می‌شود. اگر کسی به مقامی از معرفت برسد که همه‌ی اجزا را در یک کل یگانه ببیند، دیگر جایی برای تفرقه و تفاوت باقی نمی‌ماند و صلح و مدارا جایگزین آن می‌شود.

دکتر حسن‌لی با بررسی نمونه‌هایی از اشعار فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ و پیام‌های آشتی‌جویانه و صلح‌طلبانه‌ی آن‌ها، آشنایی و نزدیکی به این متون را موجب تقویت منش سازگاری و خلق و خوی پیوند و صلح و شادی دانست و تأکید کرد که:

در هیچ جای دیوان حافظ به هیچ‌یک از ادیان و آیین‌ها و پیروانشان هیچ سخن ناروا و ناپسندی گفته نشده است. بلکه بر یگانگی و نبود تفاوت میان آن‌ها پای فشرده شده است. وی همچنین یادآوری کرد که عدالت‌خواهی، حق‌طلبی و حمایت از مظلوم نیز فضیلتی بسیار ارزشمند است. نمی‌توان به بهانه‌ی مدارا و آشتی، حقوق ستمدیده را فرو گذاشت و به سمت ستمگر غلتید.

تصویب دومین پژوهانه‌ی کرسی پژوهشی مرکز حافظ‌شناسی «پژوهانه‌ی مهندس بهرام بزرگ»

دومین پژوهانه (گرنه پژوهشی) کرسی پژوهشی حافظ، در مرکز حافظ‌شناسی با حمایت «مهندس بهرام بزرگ» در شهریورماه ۱۳۹۸ به تصویب رسید. دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری یا پژوهشگران و هنرمندان واجد شرایط، با ارائه‌ی طرح پژوهشی و تصویب در شورای علمی مرکز حافظ‌شناسی می‌توانند از دوره‌ی شش‌ماهه یا یک‌ساله‌ی «پژوهانه‌ی مهندس بهرام بزرگ» بهره‌مند شوند. متقاضیان می‌توانند طرح‌های پیشنهادی خود را به‌منظور بررسی و ارزیابی به‌نشانی ایمیل مرکز حافظ‌شناسی (hafezstudies@gmail.com) ارسال کنند.

پژوهانه یا گرنه پژوهشی، تخصیص اعتباری ویژه برای تقویت علمی پژوهشگران ممتاز و مستعد دانشگاهی و توسعه‌ی کیفی پژوهش‌های بنیادی و کاربردی است که در جهان امروز، رواج تام دارد. مرکز حافظ‌شناسی که نهادی فرهنگی، مستقل و غیردولتی است، از سال ۱۳۹۶ موفق به دریافت کرسی پژوهشی حافظ و مجوز رسمی جذب پژوهشگر پسادکتری شده است. افزون بر این در سال جاری موفق به تأمین اعتبار و اعطای دو پژوهانه‌ی علمی شده است.

یادآور می‌شود اولین پژوهانه‌ی مرکز حافظ‌شناسی با حمایت «دکتر زهرا طاهری»، استاد دانشگاه ملی استرالیا، در فروردین‌ماه ۱۳۹۸ به تصویب رسید و هم‌اکنون با طرح مصوب در حال اجراست.

